

بررسی نظام حزبی در اقلیم کردستان عراق از منظر جامعه منشوری فردریگز

رحمت حاجی مینه^۱ - ارسلان عبدالله پور^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۸

چکیده:

اقلیم کردستان عراق در سال ۱۹۹۱ به دنبال طرح منطقه امن و پرواز ممنوع، به عنوان منطقه خودگردان در محدوده قانونی عراق اعلان موجودیت کرد. بعد از تصویب قانون فدرالیسم در عراق در سال ۲۰۰۵، این منطقه به طور رسمی به یک منطقه فدرال با حکومتی محلی و دارای دستگاه اجرایی و مدیریتی نیمه مستقل از عراق مبدل شده است. این پژوهش با بررسی این مسأله نظریه جامعه منشوری فردریگز و شاخص‌های این نوع جامعه مورد پژوهش قرار گرفته تا به تناظر آن به بررسی تاریخی ویژگی‌های نظام دیوانسالاری در منطقه اقلیم کردستان پرداخته شود. سوال اصلی پژوهش این است که آیا حکومت اقلیم توانسته است شاخص‌هایی چون ناهمگونی، رسمیت، تداخل، خویشاوندگرایی و قوم گرایی، بازار و تمرکز قدرت، به عنوان مؤلفه‌های جامعه منشوری را از پیش‌رو بردارد یا همچنان حکومت‌داری خود را برپایه ساختارهای سنتی به پیش می‌برد؟ روش گردآوری اطلاعات، با توجه به برون‌مرزی بودن موضوع مطالعه و عدم دسترسی به اسناد آن نظام، به شکل کتابخانه‌ای و اینترنتی بوده و روش تحقیق هم توصیفی تحلیلی می‌باشد. با توجه به الگوی مورد نظر ریگز، نتایج حاکی از این ادعاست که شرایط و ویژگی‌های نظام سیاسی منطقه‌ی مذکور، علیرغم دارا بودن مؤلفه‌های دموکراتیک، انطباق بیشتری با وضعیت جامعه منشوری دارد. وضعیتی که این اقلیم را از حکمرانی خوب دور کرده است.

واژگان کلیدی: اقلیم کردستان، جامعه منشوری، نظام حزبی، حکمرانی خوب، تعامل الگومند

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی، روابط بین‌الملل، گروه ارتباطات و علوم اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: نویسنده مسئول

r.hajimineh@gmail.com

^۲ - دانشجوی دکتری، سیاست‌گذاری عمومی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران؛
مدرس، واحد بوکان، دانشگاه آزاد اسلامی، آذربایجان غربی، ایران

arsalan_abdolahpour@yahoo.com

۱- مقدمه

در آوریل ۱۹۹۱، شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه ۶۸۸ که در آن عراق را به عنوان سرکوبگر شهروندان خود معرفی می‌کرد، حاکمیت این کشور را محکوم کرد. بر مبنای این قطعنامه، یک منطقه پرواز ممنوع در شمال و جنوب عراق ایجاد شد. مناطق پرواز ممنوع در سمت شمال از مدار ۳۶ درجه و در جنوب در مدار ۳۲ درجه تعیین گردید. در شمال، استان‌های سلیمانیه، اربیل و دهوک شامل منطقه پرواز ممنوع می‌شد. اولین مرحله از این عملیات تا ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۱ به طول انجامید. مرحله دوم عملیات که شامل حفاظت دائمی از اقلیم کردستان می‌شد، بعد از این زمان مدنظر قرار گرفت. این عملیات، باهدف مستقیم حفاظت از جمعیت کرد و اسکان مجدد پناهندگان کرد و خروج ارتش عراق از منطقه بود. منطقه پرواز ممنوع تأثیر زیادی در فرآیند خودمختاری کردها در شمال عراق داشت که برای اولین بار از سوی یک قدرت جهانی در یک منطقه اعمال می‌شد.

در سال ۲۰۰۳ تحول سرنوشت‌ساز دیگری رقم خورد و آن هم اشغال بغداد و سرنوشتی که به عنوان بزرگترین دشمن کردها بود؛ این رخداد فرصت فوق‌العاده‌ای بود برای روی کار آمدن دولتی دموکراتیک و مجالی بود برای کسب امتیازات کلیدی توسط کردها از حکومت تازه تأسیس عراق پس از صدام؛ اقلیم کردستان بعد از ۲۰۰۳ نه تنها تحت عنوان یک حکومت فدرال طبق قانون اساسی به رسمیت شناخته شد، بلکه ۱۷٪ از درآمدهای ملی را نیز در اختیار گرفت. درآمدهای مالی اقلیم محدود به آنچه که از سوی دولت مرکزی عراق پرداخت می‌کرد، نمی‌شد. کردها به خاطر داشتن جلوه‌ای سکولارتر در مقایسه با شیعیان و سنی‌های عراق، از کمک‌های مالی و تسلیحاتی آمریکا نیز بهره کافی می‌بردند. (عبدی و شیرزاد، ۱۳۹۵؛ ۷۰)

نظام حکومتی اقلیم کردستان در سال ۲۰۰۳ بعد از حمله آمریکا، به شکلی فدرالی تثبیت گردید و از یک نظام حکومتی متمرکز به نظامی فدرال و تکثرگرا که به شدت مورد استقبال اعراب سنی هم قرار گرفته بود، تغییر یافت. (میرحیدر و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۱) این شکل از فدرالیسم هر چند برای کردها نوعی فدرالیسم سیاسی و اقتصادی بود ولی آمریکا در زمان حکومت پل برمر حامی فدرالیسم اداری بود. در طی حضور آمریکائی‌ها در عراق، این منطقه برخلاف دیگر مناطق عراق، کمترین تنش‌ها و ناامنی‌ها را به خود دیده است.

با اشغال بخش‌هایی از عراق توسط دولت اسلامی عراق و شام موسوم به داعش، موضوع حاکمیت اقلیم کردستان به ویژه در خارج از مناطق تحت اختیار آنها، به کشمکش منطقه‌ای

و جهانی مبدل شد. این مناطق بر اساس تداخلات دولت‌های غربی در بیرون از محدوده صدارت اقلیم کردستان بودند. حمله داعش به شدت موجب تنش در مناسبات داخلی، تمامیت منطقه اقلیم و روابط دولت اقلیم و دولت مرکزی می‌شد، حمله داعش در سال ۲۰۱۶ به مرزهای اقلیم کردستان و پایتخت این اقلیم، به ویژه اربیل بر شدت این تنش‌ها افزود. (الوقت، ۱۳۹۵) از این رو تمام تلاش‌ها بر دفع خطر داعش و بازگرداندن آنها به بیرون از مرزهای اقلیم بود. حمله داعش در سطح ملی و منطقه‌ای هزینه‌هایی برای اقلیم کردستان به همراه داشت که خود موجب تأثیرات بسیار جبران‌ناپذیری بر سیاست‌گذاری‌های سیاسی و اقتصادی در این منطقه و عمیق‌تر شدن شکاف‌های طبقاتی و اجتماعی گردید. هزینه‌هایی که در نهایت الگوی مدیریتی اقلیم کردستان را با مشکلات بسیاری روبرو ساخته است.

با توجه به این تحولات، و با عنایت به اینکه حکومت اقلیم سعی در برداشتن گام‌هایی به سمت توسعه و تبدیل شدن به الگوی مدیریتی دموکراتیک در منطقه دارند، آیا این حکومت توانسته است شاخص‌هایی چون ناهمگونی، رسمیت، تداخل، خویشاوندگرایی و قوم‌گرایی، بازار و تمرکز قدرت، به عنوان مؤلفه‌های جامعه‌شناسی را از پیش‌رو بردارد یا همچنان حکومت داری خود را برپایه ساختارهای سنتی به پیش می‌برد؟ لذا مسئله اصلی در این پژوهش این است که وضعیت حزبی در اقلیم کردستان را با توجه به نظریه جامعه‌شناسی فردریگز مورد بررسی قرار بدهد. با توجه به این نظریه، فرضیه اصلی این مقاله این است که جامعه اقلیم کردستان و حکومت محلی این منطقه، نوعی جامعه توسعه نیافته است که در آن شاخص‌های ناهمگونی، رسمیت، تداخل ساختاری‌های سنتی و مدرن، خویشاوندگرایی و قوم‌گرایی، بازار و تمرکز قدرت کاملاً با جامعه‌ی منشوری مورد نظر فردریگز همخوانی دارد. این تحقیق به صورت کیفی و کتابخانه‌ای و با توجه به اسناد و مستندات مندرج در کتب و مقالات منتشره در این منطقه انجام گرفته است.

۲- نظریه جامعه‌شناسی^۱

دولت مدرن حامل دو عنصر بنیادین است: یکی حزب است و دیگری هم‌قانونگذاری؛ در این میان وضع قوانین موضوعه اساس استیلای دولت مدرن است و حزب، ابزار این قانونگذاری است. (فیرحی، ۱۳۹۶: ۱۳۶) وجود حزب در این مختصات چنان مهم است که نمی‌توان از

^۱ -Prismatic Societies

دموکراسی دم زد و مبحث قوانین و حزب را مطرح نکرد. در میان این دو مفهوم، حزب به واسطه عینی بودن و حضور ملموس‌تر در بحث از دموکراسی بیشتر مورد توجه است و بر این اساس همچون دوقلوی دولت می‌تواند قلمداد شود. به همین دلیل است که شاخص اصلی دولت - های مدرن، وجود قوانین و شرایط لازم جهت تحزب و حزب‌گرایی است. بر این اساس تفاوت میان دموکراسی‌ها از دیگر انواع حکومت را در همین قوانین و شرایط می‌توان یافت. این احزاب از طریق عضویت آزاد و موضع‌گیری‌های سیاسی/ اجتماعی خود را عاملی برای تشکیل دولت‌های مردمی و راهکاری برای تحقق دموکراسی مستقیم محسوب می‌کنند. در حال حاضر نسلی از احزاب که محصول چرخش سیاسی در غرب بعد از جنگ‌های جهانی هستند، به قول دالتون^۱، نوعی سیاست جدید را در قالب احزابی چون حزب سبزها یا خیزش مجدد راست افراطی به راه انداخته - اند که بیش از هر زمانی مدعی بازگشت به اصول اخلاقی و قانونی دموکراسی راستین هستند.

در کشورهای کمتر توسعه یافته و به ویژه در کشورهای خاورمیانه، وضعیت احزاب کمتر از غرب توسعه یافته است. این کشورها در زمینه استراتژی‌های توسعه با مشکلات و بحران‌های گوناگونی مواجه هستند و نظریه‌های توسعه که پس از جنگ دوم جهانی ارائه شدند نتوانستند گره توسعه را در ابعاد مختلفی همچون حوزه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باز نمایند. نظریاتی که توسط اندیشمندان مغرب زمین پیشنهاد می‌شدند همچون نوسازی، وابستگی و... اندک اندک کم رفق شده و در دگرگون ساختن این وضع ناکام ماندند (ازکیا، ۱۳۶۵: ۶۶) و به این ترتیب دیدگاه تقسیم جوامع به سنتی و مدرن و حرکت مستقیم و خطی از سنت به مدرنیسم به عنوان سرنوشت همه کشورهای توسعه نیافته ظهور یافت.

در این میان عده‌ای از صاحب نظران (روستو ۱۹۶۰، مور ۱۹۶۳، بندیکس ۱۹۶۴) بر این باور بودند که راهکار مناسب برای حل مشکل نوسازی در جوامع تازه استقلال یافته و نوپا توجه به فرهنگ، سنن و بافت اجتماعی آن جوامع توجه است و بدین ترتیب بود که مفهوم "جوامع در حال توسعه" متولد شد این مفهوم برای توصیف جوامعی بکار می‌رفت که به سوی نوسازی خیز برداشته ولی هنوز به آن نرسیده بودند به عبارتی دیگر آن جوامع هم ساختارهای سنتی داشتند و مشغول وارد کردن ساختارهای مدرن به جوامع خود بودند. برخی از این صاحب نظران بر اهمیت ساختار سیاسی اجتماعی در این نوع کشورها تأکید می‌نمودند از جمله جوزف

^۱ -Dallton

لاپالمبارا^۱، گیلرمو اودانل^۲، رالف بریباتنی^۳. در واقع به نظر این صاحب نظران برای برقراری ارتباط منطقی میان فرآیند توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در چارچوب برنامه تولید ملی، دگرگونی و اصلاح در نظام اداری ضروری است. (قوام، ۱۳۷۴: ۱۲۱) ضمناً ذکر این نکته نیز دارای اهمیت است که استراتژی‌های توسعه که بر اساس درک غربی‌ها بنا شده با آداب و رسوم و فرهنگ کشورهای در حال توسعه اگر هماهنگی و انطباق نداشته باشد، مناسب نخواهد بود. (طاهری، ۱۳۷۰: ۱۱۵) فرد ریگز نیز معتقد بود الگوهای ارائه شده برای توسعه و نوسازی جوامع در حال توسعه سودمند است ولی با شرایط و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی حاکم بر این جوامع سازگاری و هماهنگی ندارد. وی برای حل این مشکل نظریه جوامع‌شناسی خود را مطرح ساخت.

فرد دبلیو ریگز^۴، استاد دانشگاه هاوایی، که در فاصله سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۷ به عنوان استاد رشته علوم سیاسی به تدریس و تحقیق مشغول بوده و در زمینه‌های مختلف سیاست-گذاری، اداره امور دولتی و علوم اداری در جوامع در حال توسعه به تحقیق و بررسی پرداخته است. فعالیت‌های آموزشی ریگز دارای اهمیت قابل توجهی است وی با بهره گرفتن از دانش فیزیک و ادغام آن با حوزه علوم انسانی نظریه‌ای را تحت عنوان "جامعه‌شناسی" ارائه نموده است. (ملک محمدی، همان: ۲۲۹) وی در این نظریه می‌گوید: زمانی که نور از یک منبع نورانی همانند خورشید تابیده می‌شود، دارای حالت بهم پیوسته است و تمام امواج قابل دیدن نور به دلیل ترکیب با یکدیگر رنگ واحد و سفید به وجود می‌آورند. زمانی که این نور به وسیله یک منشور تجزیه گردد به صورت دسته‌های نورانی با رنگ‌های مختلف و جدای از یکدیگر خارج می‌شوند. ریگز از این مثال فیزیکی رو به جوامع انسانی می‌آورد. از نگاه او نور سفید که مجمعی از نورهای جدا نشده است به منزله ساختارهای درهم تنیده و غیر متمایز یک جامعه سنتی است. در جامعه سنتی تمایز ساختاری میان نقش‌ها در حداقل ممکن خود قرار دارد و رنگین‌کمانی که در آن سوی منشور به وجود می‌آید بیانگر ساختارهای از یکدیگر متمایز جوامع مدرن است. در کنار دو نقطه ورودی و خروجی منشور نقطه‌ای دیگر نیز درون منشور قرار دارد که حائل میان دو حالت درهم شدن نور و ازهم پراکندگی آن است. این نقطه که در جوامع

^۱ -Joseph LaPalombara

^۲ -Guillermo O'Donnell

^۳ -R.Braibant

^۴ -Fred .W. Riggs

انسانی نقطه حائل میان جامعه سنتی و مدرن است همان نقطه مدل منشوری ریگز است که نظریه وی بر آن استوار است. جامعه منشوری او نه موقعیتی سنتی را داراست نه موقعیت مدرن بلکه شامل مؤلفه‌های نوینی از کنار هم قرار گرفتن ساختارهای اجتماعی قدیمی و جدید نشأت می‌گردد. (ملک محمدی، ۱۳۸۲: ۲۲۷) از این رهگذر او عقیده دارد که در چنین جوامعی مسأله شکل‌گرایی و توجه به صورت ظاهر پدیده‌ها، یکی از مهمترین ویژگی‌هاست. سیاست‌گذاران جوامع در حال گذار با امید به بهره‌گیری از محصولات دنیای خارج، از کشور-های توسعه یافته ساخت‌هایی وارداتی برای خود می‌پذیرند. دفاتر گوناگون، مؤسسات مختلف و نهادهای متعدد، نمودی از این خواسته آنان است. بسیاری از فعالیت‌های قدیمی در جوامع سنتی ممنوع می‌شود و همه چیز به سوی نو شدن میل می‌نماید. سنت‌های کهن و هنجارهای پیشین همزمان با الگوهای وارداتی پسینی که مورد قبول قرار گرفته‌اند، حفظ شده و خود-نمایی می‌کنند. این جوامع گاه پا را فراتر گذاشته و دست به تغییراتی ساختاری شتابان می‌زنند. وارد کردن چنین تغییرات ساختاری در حالیکه از یک سو به افزایش درجه شکل-گرایی می‌انجامد از سوی دیگر می‌تواند هزینه‌های گزاف اجتماعی و تنش‌های انقلابی را نیز به دنبال داشته باشد و زمان لازم برای ایجاد یک رفتار و نهادینه‌سازی آن را نیز بالا ببرد. (ریگز، ۱۹۶۱: ۱۴۱) ریگز در تقابل با مدل‌های غربی تحلیل ساختار فرآیند و رفتار نظام اداری در کشور های موسوم به «در حال توسعه» تلاش کرده است مدل‌ها و نظریه‌های بومی و خاص این کشورها را تبیین کند. به نظر ریگز، انواع جوامع عبارتند از:

(۱) جوامع مرکب با ساختاری واحد که همه چیز را تعیین می‌کند.

(۲) جوامع تفکیک شده که تخصص‌گرایی در همه زمینه‌ها توسعه یافته است.

(۳) جامعه‌ی منشوری

که به اعتقاد فرد ریگز، جامعه منشوری دارای ویژگی‌های ترکیبی دو جامعه دیگر است. سطح خاصی از تفکیک، همراه با تخصصی شدن نقش‌های ضروری برای مدیریت و فناوری نو وجود دارد ولی از حیث یکپارچگی جامعه، دشواری‌هایی هم دارد. اگر چه چنین جامعه‌ای، مرکب نیست ولی کاملاً تفکیک شده نیز نیست.

در یک جامعه منشوری گاهی تراکم ساختارها و رویه‌ها در عمل فاقد کارایی لازم هستند. هیچ چیز آنگونه که ظاهر می‌شود نیست. یک اداره، یک نهاد، یک مؤسسه یا یک سازمان در یک جامعه منشوری همانند جامعه توسعه یافته کارآمد نیست. سیاست‌گذاران جوامع منشوری

برای تشریح ظاهری که برگزیده‌اند به خلق عناوینی زیبا می‌پردازند در حالی که عناوین به تنهایی توضیح دهنده ساختارها نیستند... وی به جای مفاهیمی همچون دیوان و دفتر در تعاریف دیوان سالاری از یک واژه اسپانیایی بنام "سالا"^۱ استفاده می‌کند که به معنای اداره رسمی که در آن فعالیت‌ها جریان دارد نیست، بلکه به معنای اتفاقی در منازل است که در آن چیزهای سنتی وجود دارد و کارهای سنتی انجام می‌پذیرد. به کارگیری این مفهوم در جامعه منشوری نشان می‌دهد که این جامعه عرصه ظهور دو جریان تعهدات رسمی و خواسته‌های فردی به صورت توأمان می‌باشد (ملک محمدی، ۱۳۸۲: ۲۲۷) در جوامع منشوری افراد وابسته به گروه‌های والا مقام قادرند به تمامی انواع مزایا که حقوق قانونی برای دسترسی به آنها وجود ندارد دسترسی داشته باشند گاهی اوقات حقوق افراد سطح پایین جامعه به وسیله رویه‌های قضایی و حقوقی مورد حمایت قرار می‌گیرد. (همان: ۲۲۸)

۲-۱- ویژگی‌های جامعه منشوری

باید توجه داشته باشیم که مدل سالا در واقع مبین وضعیت اداری جامعه منشوری یا جامعه در حال توسعه است. این مدل دارای ویژگی‌هایی می‌باشد که در زیر به آن می‌پردازیم: (جمشیدیان، ۱۹۹۵، کنفرانس تهران)

۲-۱-۱- ناهمگونی^۲

به معنای نوعی ترکیب ناسازگار و نامتوازن در ساختارهای اداری و شیوه پراکندگی آنها در جامعه است. در واقع تفاوت‌های چشمگیری میان سامان اداری در یک شهر بزرگ و یک شهر کوچک وجود دارد... از نظر امکانات، نیروهای متخصص و سایر عوامل وضعیت قابل مقایسه نیستند.

۲-۱-۲- رسمیت^۳

ریگز این ویژگی جامعه منشوری را در مقابل ویژگی واقع‌نگری^۴ قرار می‌دهد او معتقد است در جامعه منشوری میان گفتار و کردار رابطه‌ای سیستماتیک وجود ندارد. حاکمیت در این جوامع پذیرفته شده است اما صرفاً به گونه‌ای صوری و ظاهری. قوانین در واقع امر پوششی هستند برای اقدام و عمل در قالب و چارچوب ساختارهای سنتی و قدیمی.

^۱ -Sala

^۲ - Heterogenetiy

^۳ -Formalism

^۴ -realism

۲-۱-۳- تداخل^۱ ساختارهای سنتی و مدرن

ریگز این واژه را برای توصیف نوعی همزیستی میان ساختارهای سنتی و مدرن بکار می‌برد. در این جوامع ساختارها و نهادهای جدید مانند حکومت، پارلمان، انتخابات، قوانین و مقررات و... وجود دارند اما کارکردهای مؤثر دولت، سیاست، اقتصاد، آموزش و... تا اندازه‌ای تحت تأثیر ساختارهای سنتی و قدیم نظام خانواده، نظام مذهبی، گروه‌های محلی مواردی از این قبیل قرار دارند... به عبارتی دیگر ساختارهای جدید همچون پوششی برای عمل ساختارهای سنتی عمل می‌کنند. وی این پدیده تداخل و پیامدهای آن را به عنوان "اسکیزوفرنی اجتماعی"^۲ یاد می‌کند.

۲-۱-۴- خویشاوندگرایی و قوم‌گرایی^۳

یکی دیگر از ویژگی‌های مدل سالا خویشاوندگرایی در سطح خرد یعنی اولویت دادن به اعضای خانواده، خویشاوندان و دوستان جهت استخدام و دیگری قوم‌گرایی در سطح کلان و بطور کلی از یک قوم خاص یا تیره به خصوصی هستند... به عبارتی دیگر ورود به حاکمیت بر اساس ارتباط‌های خانوادگی و خویشاوندی، نسبی، قومی، همشهری‌گرایی و منطقه‌گرایی انجام می‌گردد. وی معتقد است این نوع استخدام‌های بی ضابطه به افزایش بی‌رویه حجم کارکنان دولت و نیروی انسانی در دستگاه حاکمیت را به دنبال خواهد داشت وی این را زنگ خطری برای حاکمیت می‌داند و از تحمیل هزینه‌های این نوع استخدام بر دولت اشاره می‌نماید و معتقد است مشکلات عدیده اقتصادی را در پی خواهد داشت.

۲-۱-۵- بازار

با توجه به مشکلات اقتصادی، رانت، فساد و تخلفات اداری به جزئی لاینفک از نظام اداری در جامعه منشوری تبدیل می‌شود در این جوامع به صورت رسمی فساد و تخلفات اداری ناپسند و محکوم تلقی می‌شود ولی این پدیده به شکل گسترده‌ای رواج دارد.

۲-۱-۶- تمرکز^۴ قدرت

ساختار قدرت در چنین جامعه‌ای به گونه‌ای است که عموماً قدرت زیادی در رأس سازمان متمرکز شده و مقامات پایین‌تر خود را فاقد تصمیم‌گیری می‌دانند و به ابتکار خود هیچ نوع

^۱- Overlapping

^۲- اسکیزوفرنی یا روان گسیختگی یک بیماری روانی است که در آن مرز میان خیال و واقعیت مخدوش می‌شود.

^۳- Nepotism and Communalism

^۴- centralization

تصمیمی را نمی‌توانند اتخاذ کنند. به لحاظ عدم تفکیک ساختارها در جوامع در حال توسعه، کارکردها نیز متداخل است و لذا دیوانسالاران در حیطه امور یکدیگر دخالت می‌کنند... خلاصه اینکه نخبگان جامعه متشکل از نخبگان قدرت و سیاست‌گذاران و دیوانسالاران در جوامع منشوری یگانه‌اند و در این شرایط طبیعی است که اینان قدرت را برای تأمین منافع خود به کار می‌بندند و جامعه نمی‌تواند از امکانات و منابع خویش به نحو کارا بهره گیرد. (قوام، ۱۳۷۳: ۱۰۹-۱۱۰) حال پس از مباحث نظری پیرامون جامعه منشوری به تاریخچه و حیات سیاسی اقلیم کردستان و سپس به بررسی تطبیقی شاخص‌های جامعه منشوری در آن منطقه می‌پردازیم:

۳- حیات سیاسی اقلیم کردستان عراق

هر چند دولت مرکزی عراق تا قبل از سال ۱۹۹۰ از تمرکز سیاسی بالایی برخوردار بود، لیکن بخش شمالی این کشور تحت تأثیر جریان‌های آرمان‌خواهی یک قرن گذشته فعال بود و هویت محلی خود را در مقابل هویت ملی تعریف کرده بود. (رومینا و بیدار، ۱۳۹۷: ۷) به دنبال حمله صدام به کویت در مارس ۱۹۹۰ و پاسخ ائتلاف به رهبری آمریکا علیه عراق در اسفند ۱۹۹۱، کردها و شیعیان عراق علیه دولت صدام شورش کردند. (کریمی و غلامی، ۱۳۹۶: ۱۸۲) حکومت اقلیم پس از تصویب منطقه پرواز ممنوع در شمال عراق در جریان جنگ موسوم به جنگ خلیج فارس برای محافظت از هزاران آواره گرد در سال ۱۹۹۱ از دست رژیم بعث، تأسیس شد. این حکومت منطقه‌ای در ابتدا به صورت دو اداره در مناطق تحت سلطه حزب دموکرات کردستان عراق در استان‌های اربیل و دهوک و استان سلیمانیه تحت سلطه حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق اداره می‌شد این دو اداره در سال ۲۰۰۶ در هم ادغام شدند و کابینه پنجم خود را در آن سال تشکیل دادند. جدای از دو حزب حاکم احزاب دیگری از طیف‌های مختلف همچون اسلام‌گرا، کمونیست، نسل جدید و... هم اکنون در عرصه سیاسی مشغول فعالیتند. در این منطقه، حزب نقش پرنگ و حتی تمام و کمال را در همه زمینه‌ها ایفا می‌کند درباره حزب و شیوه نقش آفرینی آنها در عرصه حکمرانی در آن منطقه نظریات گوناگونی وجود دارد.

دولت مرکزی عراق از زمان استقرار دولت منطقه‌ای کردستان در سال ۱۹۹۱، نسبت به محدوده فعلی کردستان عراق حساسیت چندانی از خود نشان نداده است. از دیدگاه دولت مرکزی عراق منطقه کرکوک به دلیل جایگاه ژئواکونومیکی برتر نسبت به سایر بخش‌های کردستان از اهمیت

فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و مهمترین حوزه اجرایی نمودن سیاست تعریب به شمار می‌رفته است. در صورت عدم الحاق مناطق تحت منازعه به دولت منطقه‌ای کردستان، این منطقه از لحاظ اقتصادی و جایگاه سیاسی در برابر دولت مرکزی عراق از وزن ژئوپلیتیکی چندانی برخوردار نبوده و دولت منطقه‌ای کردستان، در معادلات سیاسی عراق، امکان مانور سیاسی را از دست خواهد داد. هر چند در سالهای اخیر در محدوده منطقه خود مختار کردستان عراق، شرکت‌های نفتی غربی موفق به اکتشاف ذخایر مهم نفت و گاز شده‌اند و کردها مدعی‌اند ذخایر اکتشافی برای مدت مدیدی قادر به تأمین نیازهای انرژی کردستان و همچنین بودجه آن خواهند بود، اما با این اوصاف کردستان بدون کرکوک، از لحاظ ژئوپلیتیکی از اهمیت کمتری برخوردار خواهد بود. (احمد پور و مبارکشاهی، ۲۰۱۵: ۴۶-۴۵)

۳-۱- نقش حزب در اقلیم کردستان عراق

در جوامع توسعه یافته، حزب ابزاری برای تدارک و ایجاد قانون در دولت مدرن است؛ سه گانه حزب، قانون و دولت مدرن ملازمه منطقی دارند. به همین دلیل هم هرگونه سخن از دولت مدرن لاجرم حزب را تداعی می‌کند و تصویری را از آن به ذهن می‌کشاند. فلسفه عمومی حزب تدوین قانون برای جامعه است، خواه با جعل قوانین موضوعه خواه با تنظیم و انفاذ شریعت و حتی عرف جامعه‌ای در قالب مواد قانونی. اهمیت حزب به دلیل تسهیل فرآیند تهیه قانون است، زیرا قانون ابزار نظم عمومی است و در صورتی می‌تواند چنین کارویژه‌ای را به درستی انجام دهد که خود قانون محل اجماع و اتفاق همگان باشد. اما قانون فقط آن گاه قادر است چنین مقامی را احراز کند و مرجعی همگانی برای حل اختلاف در حوزه‌ی عمومی باشد که فرآیند و قواعد تنظیم قانون با اجماع و توافق عمومی همراه شود. حزب چنین فرآیندی را فراهم می‌کند یا می‌تواند چنین باشد. به تعبیر دیگر، قانون معیار زندگی عمومی است، اما معیاری نیز برای تقنین لازم است. حزب فرآیند گفتگو و توافق را درباره قواعد تدوین قانون فراهم می‌کند. حزب پل رابطی است که اراده سیاسی را به نظام حقوقی بدل می‌کند. اجماع درباره مرجعیت قانون تابعی از اجماع در زمینه قواعد و فرآیند تدوین قانون است. کارویژه حزب تأمین اجماع نوع دوم است. از اینرو، هم حزب و هم توافق برآمده از آن مقدمه‌ای بر مرجعیت قانون است و منطقاً، بدان تقدم دارد. (فیرحی، همان: ۱۳۶)

ولی حزب در اقلیم کردستان عراق و حتی قبل از تأسیس آن وسیله‌ای برای مبارزه طبقاتی،

ملی، سرزمینی بوده است. حزب به عنوان سازمان دهنده توانایی‌های کردها در جهت دفاع از سرزمین کردستان از نابودی و مدافع حقوق آنها بوده است. حزب در تاریخ یکصدساله اخیر در کلیه دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی همچنین در رویدادهای مهم کردستان و منطقه نقش تصمیم‌گیرنده نهایی ایفا نموده است. احزاب در کردستان عراق در شرایط سخت مبارزات زیر زمینی، مخفیانه و مسلحانه خونین تأسیس و رشد نموده‌اند، سازماندهی سیاسی خود را در ابتدا بر اساس شیوه‌های حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی طراحی و اجرا نمودند... و ساختار آن بیشتر مشابه نیروهای نظامی و ارتشی است تا احزاب پارلمانی. (مصطفی امین، ۲۰۰۹: ۸)

حزب در جوامع مدرن مسئله‌ای از مسائل حکومت مدرن به عنوان یک کل به هم بسته است: اگر بتوان از حکومت به مثابه کلی منسجم سخن گفت و آن را اداره اداره‌ها نامید، حزب سیاسی اداره‌ای از این اداره‌ها و مسئله‌ای از مسائل حکومت است.

ولی حزب در اقلیم کردستان عراق نه تنها اداره‌ای از اداره‌های کلی حکومت است بلکه در تمام جزئیات حکومت‌داری رخنه نموده فرزندان رهبران و خویشاوندانشان نیز با ایجاد دسته‌جات و گروه‌های فشار در همه ارکان حکومت رخنه کرده و بر تصمیمات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی نیز تأثیر می‌گذارند. بسیاری از منتقدین عراقی معتقدند که حزبی در خاورمیانه وجود ندارد به اندازه مسئولین حزبی ما بیان‌نامه صادر کند و سعی در تشویش اذهان عمومی بنمایند اتهام زنی، اخلاف در انجام برنامه‌ها، ایجاد سایت‌ها و کاربران اینترنتی از کارهای آنهاست. اگر حکومت نمی‌تواند وضعیت اقتصادی و شرکت‌های بازرگانی را کنترل نماید تنها مشکل در حزب است هیچکدام از این احزابی که درون حکومت بوده‌اند تا حال نتوانسته‌اند در مبارزه با فساد تلاش نمایند. (chowder, 2019)

۳-۱-۱- نهادینگی نظام حزبی در اقلیم کردستان عراق

اسکات ماین ویرینگ^۱ در تعریف و تشریح حزب می‌نویسد: «نظام حزبی عبارت است از دو یا چند حزبی که به شیوه‌ای الگومند برای شکل دادن به یک نظام کلی با هم تعامل دارند. عبارت «تعامل الگومند»^۲ بر این امر دلالت دارد که قواعد مهم مربوط به رقابت احزاب در سطح گسترده-ای بین بازیگران و فعالان عرصه سیاست مورد پذیرش قرار گیرند و این قواعد پایه نهادینه شوند وی در این نظریه و سطح نهادینگی شاخص‌های نظام حزبی مطلوب را توصیف می‌کند. بر اساس

^۱ -Mainwaring, Scott

^۲ -Patterned interaction

این نظریه، چهار معیار اساسی برای سنجش سطح نهادینگی نظام حزبی وجود دارند: (ماین ویرینگ، ۱۹۹۸: ۲۶۰)

الف: ثبات قابل ملاحظه در الگوهای رقابت میان حزبی: این معیار باعث شفافیت فضای سیاسی و افزایش سطح پیش‌بینی‌پذیری می‌گردد.

ب: ریشه داشتن احزاب در جامعه: این شاخص مشخص می‌نماید که هرچه احزاب ارتباطشان با شهروندان بیشتر و بهتر باشد قاعده‌مند شدن رفتار رأی‌دهندگان نیز باثبات خواهد شد.

ج: مشروعیت احزاب: هرچه احزاب در بین شهروندان و نخبگان بسان نهادهای دموکراتیک، ضروری و مطلوب تلقی شود آن احزاب مشروعیت بیشتری در جامعه کسب می‌نمایند.

د: انتخابات و سازمان حزبی قوی: در جوامعی که احزاب نهادینه‌تر شده‌اند احزاب از منابع مادی و انسانی قابل ملاحظه‌ای برخوردارند، اعضا فعالیت زیادی دارند، کارکنان قابل ملاحظه-ای پرورش می‌دهند. حزب از رهبران حزب با اهمیت‌تر است.

می‌توان گفت این چهار معیار در نظام حزبی حاکم بر آن منطقه اگر تمام و کمال نهادینه نشده باشند حداقلی از این شاخص‌ها در آن جامعه مشاهده می‌گردد. احزاب در آنجا از بطن جامعه متولد شده‌اند و از جایگاه و پایگاه مناسبی در جامعه برخوردارند ولی شفافیت سیاسی و جابجایی و انتقال قدرت هنوز جای سؤالاتی را بر جای می‌گذارد. طرفه‌اینکه در جوامعی که احزاب نهادینگی بیشتری دارند رهبران حزب مهمند ولی نه از خود حزب. ولی در اقلیم، رهبران از خود حزب مهمتر هستند نمونه بارز رفتن برهم احمد صالح^۱ رهبر حزب ائتلاف دموکراسی و عدالت^۲ از آن و پیوستن به حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق و کاندید شدن از طرف آن حزب برای پست ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۹ بود که عملاً حزب ائتلاف دموکراسی و عدالت از هم پاشید و منفعل گردید. (سایت خندان، ۲۰۱۹) خود حزب اتحادیه میهنی نیز با درگذشت جلال طالبانی رهبر فقید آن حزب، با مشکلات درون حزبی بسیاری روبرو گردیده اعضای مکتب سیاسی و رهبران آن دچار انشقاق و چنددستگی گردیده‌اند و عملاً جایگاه آن در انتخابات پارلمانی عراق در سال ۲۰۱۹ کاهش یافت. (اسلامی و شمس‌آبادی، ۱۳۹۷)

۳-۲- ساختار منشوری حکومت اقلیم کردستان عراق

در جوامع در حال توسعه موفقیت در فرآیند توسعه سیاسی و اجتماعی عزم جدی دولت و

^۱ -Barham Ahmad Saleh

^۲ -Coalition For Democracy and Justice

ملت را می‌طلبد. برای کاربست و استفاده از الگوی ریگز در اقلیم کردستان عراق و یافتن نقاط ضعف آن لازم است به برخی ویژگی‌های خاص فرهنگی جامعه و فرد اشاره کرد با ذکر این نکته که رفتار اجتماعی در منطقه کردستان عراق به نوعی در ارتباط با مقوله نظام حزبی حاکم بر آن منطقه است. هر چند نگاه دقیق به اقلیم کردستان عراق کاری آسان به نظر نمی‌رسد چرا که وجود عرصه‌های متعدد حزبی، خواسته‌های فردی، گروه‌های فشار پیدا و پنهان موجود در آن جامعه، نهادهای موازی و دخالت مستقیم احزاب در اداره حکومت و عدم ارتباط منطقی با یکدیگر کار تحلیل مسائل موجود را پیچیده‌تر نموده است ولی می‌توان به برخی از این ویژگی‌ها اشاره داشت که عبارتند از: تصمیمات فردی، مداخله حزب در امورات اداری، تصمیمات مقطعی و بی ارتباط با مسایل عینی جامعه، فقدان تفکر سیستمی و جمعی، خویشاوند گرایی، حاکمیت روابط بر ضوابط، قانون‌گریزی، فقدان روحیه سخت‌کوشی، رواج تن‌پروری و روحیه آسان‌جویی، رواج فرهنگ تملق، فرار از مسئولیت، فرصت‌طلبی، رشد پدیده فساد اداری و اقتصادی، بی‌اعتمادی، سیاست‌زدگی و... همچنین می‌توان به برنامه‌های گروه‌ها و جنبش‌های تازه تأسیس همچون نسل جدید^۱ و حتی به بیان‌نامه ملاًبختیار در سال ۲۰۱۹^۲ اشاره کرد که به شرایط و وضعیت موجود معترض بوده و خواستار تجدیدنظر در شیوه حکومت‌داری شده‌اند.

حال پس از ذکر این ویژگی‌ها به بررسی میزان تطبیق نظام حزبی حاکم بر اقلیم کردستان عراق با جامعه‌شناسی می‌پردازیم:

۳-۲-۱- رسمیت

به دلیل عدم وجود قانون اساسی و عدم توافق بر روی مفاد مندرج در پیشنویس آن که سالها میان دستگاه‌های قانونگذار و تأثیرگذار اقلیم در حال رفت و برگشت است (کریمی و غلامی، ۱۳۹۶: ۱۷۹) و وجود اختلافات فراوان در خصوص میزان اختیارات رؤسای سه قوه، نظام اداری آن از عدم کاربرد قانون و مقررات رنج می‌برد. در ظاهر برای هر کار کوچک و بزرگی قانون وضع می‌شود ولی هنگام اجرا این قانون به دلیل عدم وجود جایگاه بین مردم و بین مجریان، به سختی اجرا می‌شود و یا در بسیاری از موارد به صورت سلیقه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. آنها در رفع مسئولیت و برای مشکلات از قبل پیش بینی نشده به فوریت کمیسیون تشکیل می‌دهند که معمولاً به نتایج چشمگیری نمی‌رسد و به دنبال آن کمیسیون‌های مختلفی

^۱ - ن‌و‌ه‌ی نوئی naway nwe

^۲ - بیان‌نامه نامبرده با این عنوان: (ملابختیار پروژه خود را اعلام کرد) در مرکز مطالعات چاودیر منتشر گردید.

تشکیل می‌دهند که مشابه اولی است و تجربه نشان داده است پس از مدتی به دست فراموشی سپرده می‌شوند هر چند تشکیل کمیسیون‌های تخصصی برای هماهنگی امور بسیار مفید است ولی در اغلب موارد در اقلیم کردستان عراق در جهت عقب انداختن کارها، ایجاد رانت، سرپوش گذاشتن به مسایل درآمده است. به گفته ملاختیار سیستم حکمرانی و حکومت کمترین تغییر و اصلاح را به خود دیده است، نیروهای نظامی پراکندگی بیشتری دارند ارتباطات شخصی افزایش یافته قانون و مقررات به حاشیه رانده شده و قانون تنها برای مردم عادی است و هنگامی که حکم فردی متخلف صادر می‌شود از طریق روابط شخصی به مسئولین پناه می‌برد. هر چند تلاش نموده‌ایم سیستم حکمرانی را اصلاح کنیم و پاکسازی و اصلاحات را انجام دهیم نتوانسته‌ایم و حتی در جلسات بدهکار هم شده‌ایم... حتی بعد از اجرای سیستم بیومتری استخدام صدها هزار حقوق‌بگیر بدون ضابطه شرکت‌های صوری، تقسیم پست‌های اداری در بین خویشاوندان مشخص شد. (chowder, Ibid)

۳-۲-۲- ناهمگونی

در نظام اداری اقلیم کردستان عراق میان پایتخت اقلیم کردستان عراق با سایر شهرها از نظر امکانات اداری، تعداد و کیفیت پرسنل، روش‌های انجام کار تفاوت‌های فاحشی وجود دارد میزان تمرکز و تراکم امور با امکانات و تسهیلات پیشرفته‌تر قابل ملاحظه است. با نگاهی به امکانات و رفاهیاتی که در مراکز استان‌های اربیل و سلیمانیه و حتی استان دهوک^۱ وجود دارد می‌توان ظواهر مدرنیته را به وضوح مشاهده کرد، از ساخت و سازهای جدید، تفریح و تفرجگاه‌ها گرفته تا مبلمان شهری، وسایل حمل و نقل عمومی و مراکز علمی و آموزشی و... اختلافات فاحشی با سایر شهرها وجود دارد. (مصطفی امین، ۲۰۰۹: ۸)

۳-۲-۳- تداخل ساختارهای سنتی و مدرن

ساختارها، افکار، سنن و مفاهیم سنتی همچون شیخ، رئیس عشیره، مسئول حزبی بر نظام اداری آن هنوز سلطه دارد و با مداخله در امورات اداری آن را تحت تاثیر قرار می‌دهند هرچند ساختارهای مدرن به آن جلوه‌ای تازه بخشیده‌اند. در گذشته قدرت و سلطه قضایی و دینی در دست ملایان و قاضیها و اشخاصی بود که توسط میر حاکم انتخاب می‌شدند. آنها بر اساس قرآن، حدیث، سنت رفتار نموده و حتی ازدواج و مسایل خانوادگی و ارث و میراث را نیز حل و فصل می‌نمودند. در قبایل این متشخصین و و رئیس عشیره بودند که حرف اول و آخر در انجام

¹ -Dehok

امور می‌زدند پس از شکست و انحلال سیستم امارات کردنشین^۱ و تأسیس امپراتوری عثمانی شیوه‌ای دیگر از سیستم قانونی و دولتی جایگزین شد. دولت عثمانی در کنار قدرت و نفوذ مذهبی در صدد تثبیت قدرت دولتی و قانونی نیز بود هر چند تلاش می‌نمود تا قدرت قانونی جایگزین دیگر قدرتها شود ولی در کل نتوانستند آن قدرت سنتی و مذهبی را از بین ببرند به همین علت به صورت قدرت غیررسمی در لفاف تا به امروز همچنان باقی ماندند پس از اشغال عراق توسط دولت بریتانیا در دوره جنگ جهانی اول با تصویب قانون صلح عشایری سعی نمودند قدرت سنتی عشایر را زنده کنند ولی این قانون در سال ۱۹۵۸ در عراق لغو شد و مجدداً قدرت به دست قانون برگشت پس از قیام مردم کردستان بر علیه رژیم بعث در سال ۱۹۹۱ به علت خلاء قانونی و ضعف حکومت قانونی هر سه قدرت عشایری، مذهبی و قانونی مجدداً سر برآوردند. (مصطفی امین، ۲۰۰۹: ۴۴) می‌توان گفت سنت و مدرنیته به عنوان دو نیروی بنیادی جامعه نتوانسته‌اند به خوبی به توازن و تعادل برسند سنت آنقدر نیرومند هست که حاکم باشد ولی آنقدر نیرو ندارد که مدرنیته را از سر راه بردارد. از طرفی دیگر مدرنیته قدرت دارد نه به آن شدتی که بتواند سنت را به زیر به کشد بلکه تنها توانسته آن را به چالش بکشد به عقیده دکتر مهدی تدینی چنین جامعه‌ای به خود فلج‌سازی گرفتار شده است. (تدینی، ۱۳۹۷)

۳-۲-۴- خویشاوندگرایی و قوم‌گرایی

عنصر قبیله که از دیرباز از عوامل عمده‌ی تکوین فرهنگ عمومی بوده است. مناسبات و پیوندهای نظام سیاسی و فرهنگ عمومی بر مبنای ویژگی‌های نظام قبیله‌ای، به وجود آورنده-ی گونه‌ای زیست اجتماعی شده که انتظام دهنده‌ی ساختاری با مشخصاتی خاص بوده است. از بارزترین این ویژگی‌ها ناامنی و سوءظن، بی‌اعتمادی شدید افراد نسبت به یکدیگر، خود-محوری و فردگرایی منفی، کاهش شدید سرمایه‌ی اجتماعی، خویشاوندگرایی و فرهنگ اختلاس و غارت را می‌توان نام برد. علاوه بر موارد یاد شده در اقلیم کردستان روابط خانوادگی، رقابت پسران به جای پدران مسئول، پیوندهای قبیله‌ای، قرابت عقیدتی و سیاسی شاخص‌های دیگر گزینشی را تحت شعاع قراردادده است. این ویژگی از دیدار استخدام نیروی انسانی غیر متخصص در ادارات را به دنبال داشته است. حتی گرایشات حزبی و دلسوزی برای حزب جای ملی‌گرایی و شایسته‌سالاری را گرفته و احزاب به مناطقی برای تجلی روابط خویشاوندی مبدل شده

^۱ - میرنشین بابان (۱۸۵۱-۱۶۴۹) میرنشین اردلان (۱۸۶۷-۱۱۶۸) میرنشین سوران (۱۸۳۵-۱۳۹۹)

است. به طوری که حزب دموکرات کردستان را جمعی از مدیران اداره می‌کنند که همه از وارثان و اقربای ملامصطفی بارزانی بوده و اصلی‌ترین رهبران آن در طی سی سال اخیر فرزندان و نوادگان مستقیم وی بوده‌اند.^۱ در حزب اتحادیه میهنی هم شرایط علیرغم ادعاهای دموکراتیک، تا حدودی مشابه است. گردانندگان شاخه اصلی حزب اتحادیه میهنی را بعد از ابراهیم احمد و جلال طالبانی هم اکنون فرزندان جلال طالبانی یعنی قباد و بافل طالبانی برعهده دارند.^۲ همچنین سایر اعضای دفتر سیاسی نیز با تشکیل دسته‌جات و جناح بندی در سطح رهبری و کمیته مرکزی حزب نقش پررنگی دارند.^۳ بعد از اجرای سیستم بیومتری حتی تسلط بر زمین‌های کشاورزی، استخدام هزاران نفر از خویشاوندان در ادارات مشکلات زیادی گریبانگیر حکومت شده است. (Ibid) ۳-۲-۵- بازار

بعد از سال ۲۰۰۳ و سقوط کامل دولت بعث، تداخل فراتر از قانون در فروش منابع نفتی از مرزهای ترمچین، ابراهیم خلیل و باشماق و تلاش همه جانبه احزاب برای تصرف منابع نفتی در حوزه‌های نفتی کرکوک، از سوی دو حزب در نهایت موجب بالا گرفتن تخاصمات حزبی شد. در پایان این تخاصمات، کردها مناطق نفتی تحت تصرف خود را در ۲۰۱۸ از دست دادند و بدین شکل اصلی‌ترین بحران اقتصادی دامن این منطقه را گرفت و میزان صادرات نفت اقلیم کردستان را به بندر جیهان ترکیه و به داخل ایران، به حداقل ممکن رسانید. این آمار به صادرات ۲۵۰ هزار بشکه‌ای در روز رسیده که سهم اقلیم کردستان از این صادرات تنها ۱۷ درصد یعنی ۴۲ هزار بشکه است. (کردپرس، ۱۳۹۸)

پدیده مداخله حزب و مرتبطین با رهبران احزاب در اقتصاد و بازار حاکم بر آن منطقه و فساد نهادینه شده در مناقصات پروژه‌های دولتی برای همه عیان است وابستگی عقیدتی و سیاسی با یک حزب و یا خویشاوندی با یکی از مسئولین بالای حزبی عامل تسهیل‌کننده برای دست یافتن به ثروت و شهرت است. مسئولین حزبی به طبقه‌ای از صاحبان امتیاز در جامعه تبدیل شده‌اند همه دستاوردهای مادی و کلیه امتیازات را برای خود قبضه نموده‌اند و به این باور رسیده‌اند که مردم

^۱ - رئیس اقلیم و نخست وزیر اقلیم نیچیروان و مسرور بارزانی برادرزاده و پسر مسعود بارزانی رهبر حزب دموکرات هستند.

^۲ - قباد طالبانی معاون نخست وزیر حکومت اقلیم و بافل طالبانی از اعضای رهبری حزب اتحاد میهنی پسران جلال طالبانی رهبر فقید اتحادیه میهنی و نوه ابراهیم احمد پدرخانم جلال طالبانی هستند.

^۳ - شالو کوسرت (shalaw Kosrat Rasul Ali) پسر کوسرت رسول علی معاون دبیرکل حزب اتحادیه میهنی به عضویت کمیته مرکزی حزب درآمده است.

برای خدمتگزاری رهبران حزب به وجود آمده‌اند. به همین دلیل اعتماد مردم به احزاب و مسئولین کاهش پیدا کرده و نارضایتی در بین آنها قابل مشاهده است. (مصطفی امین، همان: ۹)

ملا بختیار در ادامه بیان‌نامه صادره خود در مورد وضعیت اقتصادی آن منطقه چنین اظهار می‌دارد: سیاست اقتصادی [حکومت] اقلیم کردستان بعد از قطعنامه ۹۸۶ نفت در برابر غذا شورای امنیت تنها اخذ پول مربوطه از عراق و سپس خرج کردن بدون برنامه بودجه در پروژه‌ها بوده است... در ربع قرن اخیر هزینه‌های حکومت از درآمد آن بیشتر بوده است. به عبارتی دیگر ذخایر و دارایی‌ها به صفر رسیده است. فروش نفت به صورت پنهانی و انعقاد قراردادهای مخفیانه با شرکت‌های نفتی وجود دارد و حتی مرتکبین مورد بازخواست نیز قرار نگرفته‌اند. صاحبان پول و دلار سرگرم جناح بندی و مزدوری کردن اعضاء و کادرهای حزب می‌باشند. (chowder, Ibid)

۳-۲-۶- تمرکز قدرت

تمرکز قدرت در نظام اداری اقلیم کردستان عراق به وضوح قابل مشاهده است نه تنها قدرت در رأس اداره و سیستم سیاسی متمرکز است و سطوح پایین‌تر قدرت و اختیارات چندانی ندارد بلکه پارلمنتاران نیز قدرت قانونگذاری تمام و کمال ندارند بلکه از طرف سران حزب و دفاتر سیاسی احزاب درباره قوانین و مصوبات تصمیم‌گیری می‌شود. این مسأله به کندی و پیچیده شدن روند انجام کارها می‌انجامد حتی در برخی موارد به کشمکش‌های بین احزاب و حتی درون احزاب نیز منجر خواهد شد.

نوشیروان مصطفی امین^۱ معتقد است: اکنون که هر سه قوه مقننه، اجراییه و قضاییه ایجاد گردیده و روزانه مشغول فعالیتند ولی هر سه قوه از طرف احزاب ایجاد گردیده‌اند و حزب هدایت آنها را به عهده دارد آنها بر اساس شیوه‌هایی و فرمان‌هایی که احزاب صادر می‌نمایند عمل می‌کنند. در کردستان احزاب همانند کشورهای اروپای شرقی در گذشته، حزب مسلط بر همه ارگان‌ها و دستگاه‌های دولتی می‌باشد. حزب این اقدامات را در راستای گسترش نفوذ و قدرت به ویژه برای رهبران خود حزب به کار می‌گردد. (مصطفی امین، همان: ۱۰)

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های مندرج در مقاله، می‌توان اذعان نمود که حکومت اقلیم کردستان بر

^۱ - نوشیروان مولود مصطفی امین (۱۹۴۴-۲۰۱۷): از بنیانگذاران حزب اتحادیه میهنی کردستان و تا سال ۲۰۰۶ معاون دبیر کل آن حزب بود و در سال ۲۰۰۹ جنبش گوران را تأسیس نمود جنبش انتقادی (گوران) هنوز در صحنه سیاسی عراق فعال است.

اساس آنچه ریگز جامعه منشوری می‌خواند، حکومتی است که شاخص‌های یک جامعه منشوری را در خود دارد. اگر به سوال آغازین این مقاله استناد شود، اینکه آیا این حکومت توانسته است شاخص‌هایی چون ناهمگونی، رسمیت، تداخل، خویشاوندگرایی و قوم‌گرایی، بازار و تمرکز قدرت، به عنوان مؤلفه‌های جامعه منشوری را از پیش‌رو بردارد؟ می‌بایست گفت که این حکومت هنوز الگوی شاخصی برای گذر از چنین وضعیتی ندارد و در تمام حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی چنین وضعیتی را دارا می‌باشد. با مروری بر آنچه آورده شد و مشاهدات اسنادی و خبری می‌توان گفت برنامه‌های توسعه به شکل و سیاقی متفاوت از آنچه نیت شده، درآمده است در اغلب موارد مجریان توسعه فاقد تصور و پنداشتی از چنین برون‌دادهایی بوده‌اند؛ مثلاً افول شهروندی، عقلانیت‌زدایی، کم شدن مطالعه و... که به شیوه‌ای که در غرب و یا منطبق با اهداف تعیین شده، حاصل نگردیده است.

بر اساس دیدگاه ریگز، جوامع منشوری ویژگی جوامع در حال توسعه است که در آن افراد وابسته به گروه‌های فرادست توانایی بیشتری برای دستیابی به امتیازات و رانت‌های دولتی را داشته و بیش از دیگران زیر حمایت‌های قانونی قرار می‌گیرند؛ چنین جوامعی به طور مشخص خویشاوندگرا بوده و دارای ساختارهای اداری نامتوازن و ناسازگارند و قانون بیش از آنکه مطالبات نو و حیاتی را پوشش بدهد، خود مانع طرح و عملیاتی شدن آنهاست. در این جوامع ساختارهای سیاسی زیر سایه نظام قدیمی خانواده، مذهب و گروه‌های محلی قرار گرفته و رانت و فساد اداری هر چند به صورت رسمی ممنوع شده است، اما در عمل راه را برای نفوذ تجاوزات مالی و رانتی هموار ساخته است. در این جوامع قدرت در سطح حداکثری در رأس سازمان متمرکز شده و همین خود ضرورت تداخل کارکردها و نهادها را دوچندان ساخته است. با توجه به این آراء نظری، می‌توان گفت که حکومت اقلیم کردستان، این شاخص‌ها را در خود داشته و همین موجب شده تا رسیدن به شرایط دموکراتیک را به تأخیر بیندازد. برای رهایی از وضعیتی که در این چند دهه اخیر، گریبان‌گیر سیستم حکمرانی در آن اقلیم و نظام حزبی حاکم بر آن بوده است، احزاب و رهبران‌شان، سیاستمداران و نخبگان اقلیم کردستان تلاش کرده‌اند اصول "حکمرانی خوب"^۱ را در دستور کار قرار دهند، که کاملترین نمونه آن را کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوسیه سازمان ملل متحد (اسکاپ) مطرح کرده است، یعنی مشارکت، قانون‌مداری، شفافیت، پاسخ-گویی، توجه به خرد جمعی، اثربخشی و کارایی، پیروی از قانون عادلانه و فراگیر، اما در عمل همچنان

^۱ -Good Governance

در وضعیت یک جامعه‌شناسی باقی مانده است. در این شرایط نمونه‌های برجسته‌ای دیده می‌شود که نشان می‌دهد حکومت اقلیم، در سطوح اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شرایط نامناسبی را همچنان در دستور کار دارد که آن را از یک جامعه توسعه‌یافته دور انداخته است. در اقلیم کردستان، در سطح مفهوم رسمیت، عدم وجود قانون اساسی کارآمد و تدوین یافته از طرفی و مقاومت قاعده هرم جامعه در عملیاتی نمودن مصوبات پارلمان محلی مانع از ایجاد رسمیت حکمرانی در منطقه به معنای دیگر دول توسعه یافته شده است. در سطح شاخص ناهمگونی نیز تمرکز امکانات و توزیع منابع در سه شهر کلان اربیل، سلیمانیه و دهوک موجب تضعیف توزیع منابع در دیگر مناطق شده است و همین نوعی ناهمگونی و عدم بالانس را به دنبال داشته است. در سطح شاخص تداخل ساختارهای سنتی و مدرن، می‌توان به ضعف حکومت قانونی و تشدید قدرت عشایری، مذهبی و قانونی در این منطقه اشاره کرد که به ویژه بعد از فروپاشی حکومت صدام حسین نه تنها کم نشده بلکه به شدت تقویت و بازتولید شده است. در سطح شاخص خویشاوندگرایی و قوم‌گرایی نیز می‌توان با توجه به منابع لیستی از اعضای رهبری و دفاتر سیاسی احزاب، مدیران ارشد، مقامات سیاسی ارشد و... را پیش کشید که در اختیار خانواده‌های دو حزب حاکم قرار دارند؛ همین موجب شده تا تحرک سیاسی در سطح اجتماع و عموم به حداقل ممکن برسد و گردش نخبگان تنها در میان این دو خانوار جریان بیابد. در سطح شاخص بازار نیز مداخله رهبران و وابستگان احزاب در شرکت‌ها و پروژه‌های تجاری و عمرانی در بیشترین سطح ممکن قرار دارد به طوری نفوذ فوق‌العاده و حداکثری نخبگان و مدیران سیاسی را در بازار می‌توان مشاهده کرد. در نهایت در سطح شاخص تمرکز قدرت می‌توان فقدان تصویب قوانین و تقلیل یافتگی توزیع قدرت به دفاتر سیاسی احزاب موجود را دلیلی بر عدم گردش آزاد و دموکراتیک قدرت و توزیع آن به حساب آورد. با توجه به جدول ذیل می‌توان جایگاه شاخص‌های ریگز و انطباق آن را بر اقلیم کردستان مشاهده نمود:

شاخص	جامعه منشوری ریگز	اقلیم کردستان عراق
رسمیت	قانون در لفاف و اقدامات برابر ساختارهای سنتی	عدم وجود قانون اساسی و مقاومت قاعده هرم جامعه در عملیاتی نمودن مصوبات
ناهمگونی	ساختارهای اداری نامتوازن و ناسازگار	تمرکز امکانات در سه شهر اربیل، سلیمانیه و دهوک
تداخل ساختارهای سنتی و مدرن	ساختارهای سیاسی زیر سایه نظام قدیمی خانواده، مذهب و گروه‌های محلی	ضعف حکومت قانونی و تشدید قدرت عشایری، مذهبی و قانونی
خویشاوندگرایی و قوم-گرایی	اولویت دادن به اعضای خانواده، استخدامهای بی‌ضابطه	اعضای رهبری و دفاتر سیاسی احزاب، مدیران ارشد، مقامات سیاسی ارشد و... در اختیار خانواده‌های دو حزب حاکم
بازار	رانت و فساد اداری به صورت رسمی ممنوع ولی رواج در عمل	مداخله رهبران و وابستگان احزاب در شرکتها و پروژه‌های تجاری و عمرانی
تمرکز قدرت	قدرت زیادی در رأس سازمان متمرکز شده و تداخل کارکردها	تصویب قوانین در دفاتر سیاسی احزاب موجود



منابع فارسی کتب

- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۵)، جامعه‌شناسی توسعه نیافتگی روستایی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات
- سن برویین، وان مارتین (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی مردم کرد (آغا، شیخ و دولت): ساختارهای اجتماعی و سیاسی کردستان، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، نشر پانیز، چاپ اول
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۷۰)، حکومت‌های محلی و عدم تمرکز، تهران، نشر قومس
- عطاءالله عبدی، ساکار شیرزاد (۱۳۹۵)، نقش فضاهای جغرافیایی در قدرت؛ مطالعه موردی عراق، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال دوازدهم شماره ۳
- فیرحی، داود (۱۳۹۶)، فقه و حکمرانی حزبی، تهران، نشرنی
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۳)، توسعه سیاسی و تحول اداری، تهران، نشر قومس
- (۱۳۷۴)، نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- مرادی، اسکندر (۱۳۹۷)، ژئوپلیتیک کرکوک؛ منازعه یا مصالحه از منظر حکمرانی خوب ۲۰۰۳-۲۰۱۷، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهاردهم، شماره دوم
- محمدطاهر بیدار، ابراهیم رومینا (۱۳۹۷)، تأثیر استراتژی آمریکا بر تحولات کردستان عراق از سال ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۴، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهاردهم، شماره دوم
- مصطفی امین، نوشیروان (۲۰۰۹)، ما و آنها؛ اختلافات بر سر چیست؟ مجموعه مقالات، چاپخانه زرگته، سلیمانیه عراق
- میرحیدر و همکاران (۱۳۹۲)، مبانی جغرافیای سیاسی، تهران، سمت

مقالات

- پریسا کریمی، طهمورث غلامی (۱۳۹۶)، سیاست کردی آمریکا و روسیه؛ منافع ملی امنیت ملی ایران، فصلنامه مطالعات ژئوپلیتیک، سال سیزدهم، شماره دوم
- تدینی، مهدی (۱۳۹۷)، در جستجوی ریشه‌های بحران در جامعه ایرانی، تهران، سخنرانی در نشست آسیب‌شناسی نظریه‌پردازی درباره هویت ایرانی، خانه گفت‌وگو شهری
- مسعود اسلامی، علی شمس‌آبادی (۱۳۹۷)، عوامل ناکامی همه‌پرسی جدایی اقلیم کردستان

عراق، فصلنامه‌ی ژئوپولیتیک، سال چهاردهم، شماره سوم
- ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۲)، بازخوانی نظریه جوامع منشوری ریگز و مساله یابی سیاست
گذاری عمومی در ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۹
- محمود مبارک‌شاهی، زهرا احمدی پور (۱۳۹۴)، موانع الحاق کرکوک به دولت منطقه‌ای
کردستان (عراق)، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال یازدهم، شماره دوم

خبرگزاری

- الوقت (۹۵/۲/۲۲)، آیا سفر مقامات آمریکایی به اربیل به معنای حمایت از استقلال کردستان
عراق است؟، قابل دریافت در:

<http://alwaght.com/fa/News/53340>

- خندان (۲۰۱۹/۱۲/۲)؛ ارگان رسمی حزب ائتلاف دموکراسی و عدالت، "کلیه احزاب می-
توانند برابر آیین‌نامه منحل شوند"، قابل دریافت در:

www.xendan.org/detailnews.aspx?jimare=66730&babet=2&relat=7366

- کردپرس (۱۳۹۸)، مقاله سهم خواهی بیشتر اقلیم کردستان از صادرات نفت کرکوک، قابل دریافت
در:

<http://kurdpress.com/details>

English Resources

Book

- Ainwaring, Scott (1998), **rethinking party systems in the third wave of democratization**: the importance of party system institutionalization, Kellogg Institute

- Jamshidian, Mehdi (1995), **Iranian Administrative Bureaucracy and Fred Riggs Theory of Prismatic Society**, "in the Third Conference on Planning and Development: Proceedings Articles, Tehran

- Riggs, Fred. W. (1961), **The Ecology Of Public Administration**, Bombay: Asia Publishing House

Site

- Escap, **Economic and Social commission for Asia and the Pacific**, <https://www.unescap.org/resources/what-good-governance>

- <http://chawder.org/detailnews.aspx?jimare=22126&cor=15&related=2>